

باز هم درباره اهمیت کلمات | شاید موقت (روزمرگی‌ها - ۲۷ اردیبهشت، ۱۴۰۲)

آن قدر درباره کلمات و اهمیت آن‌ها گفته‌ام که می‌دانم حوصله‌تان از تکرار دوباره این بحث سر می‌رود. اما چه کنم که نمی‌توانم به سادگی از کنار این بحث بگذرم.

بارها گفته و نوشته‌ام که کلمه و زبان، فقط یک ابزار برای گفتگو نیست، بلکه بستری برای اندیشیدن است. از این رو هر چقدر درباره کلمه و کلمات حرف بزنیم، باز هم حق مطلب را ادا نکرده‌ایم.

پیش از این که بحثم را ادامه بدهم و مثال‌هایی از اهمیت کلمات بزنم، تأکید می‌کنم که آن‌چه در ادامه می‌بینید، یک متن سیاسی نیست. اگر مثال‌ها را از عالم سیاست انتخاب کرده‌ام، چون جای دیگری نتوانسته‌ام این حجم از مثال‌های خوب و جذاب و آموزنده را یک‌جا بیابم.

نیمه‌های اردیبهشت ماه، آقای رئیسی رئیس‌جمهور، قرار بود با شبکه‌المیادین درباره آینده ایران صحبت کنند. فکر می‌کنم من تنها ایرانی در جهان بودم که منتظر بودم حرف‌های ایشان را بشنوم. این را از آن‌جا می‌گویم که با وجودی که تمام سایت‌های خبری کشور از تبلیغ و اطلاع‌رسانی این مصاحبه یک‌ساعته پر شده بود، وقتی پس از مصاحبه هیچ سایتی محتوای کامل آن را منتشر نکرد، کسی دنبال آن نگشت. حتی ندیدم کسی در شبکه‌های اجتماعی - که راجع به هر چیز و ناچیزی حرف می‌زنند - بپرسد: متن کامل این مصاحبه که در بیش از صد رسانه کشور اعلام شده بود، کجاست؟ (+/+/+/+).

همه سایت‌های خبری، چند جمله کوتاه منتخب از این گفتگوی یک‌ساعته را منتشر کردند و با فاصله چند روز، ویدئویی از آن در آپارات منتشر شد. شاید من اشتباه کنم. اما تا جایی که می‌دانم و جستجو کرده‌ام، نه متن فارسی کامل و نه ویدئوی کامل این گفتگو در هیچ یک از رسانه‌های اصلی کشور (که حتی کلیپ‌های نگاه مهربان گربه به مرغ همسایه را هم منتشر می‌کنند) منتشر نشده است.

بگذریم. خلاصه سهم خوانندگان رسانه‌های رسمی کشور، پس از این که صدها بار تبلیغ این مصاحبه را دیدند، صرفاً چند جمله از گفتگو بود. با این حال در همین بریده‌های کوتاه هم جملات فراوانی وجود دارد که می‌توانند برای آموزش دقت کلامی به کار بیایند (+/+/+).

کشور خارجی

رئیس‌جمهور در مصاحبه خود گفت: «ما از مردم لبنان و یمن خواستیم که سرنوشتشان را به دست خود، تعیین کنند و به هیچ کس اجازه ندهند اراده خود را بر آنان تحمیل کند.»

از آن‌جا که ایران بخشی از لبنان و یمن نیست، قاعداً بر اساس مبانی علم منطق، ایران در یمن و لبنان، کشوری خارجی محسوب می‌شود. این که رئیس‌جمهور یک کشور خارجی از مردم یک کشور بخواهد که به حرف و خواسته‌های کشورهای خارجی توجه نکنند، بسیار پارادوکسیکال است.

مخاطب چنین توصیه‌ای، اگر یک سیستم نرم‌افزاری الگوریتم‌محور باشد، با شنیدن این جمله قفل می‌شود و تا او را از برق نکشند یا ریست نکنند، به زندگی عادی بر نمی‌گردد.

علاقه‌مند به ادامه آغاز روابط با عربستان

رئیس‌جمهور هم‌چنین گفت: «از سرگیری روابط، ادامه خواهد داشت.»

در این مورد هم، خوب نیست که ما مدام از سرگیری را ادامه دهیم. ادامه دادن از سرگیری روابط به این معناست که مدام تنش و قهر ایجاد شود و دوباره از سرگیری کنیم و دوباره رابطه کدر شود و دوباره از سرگیری کنیم.

با شنیدن این جمله یاد دوستی افتادم که الان ده سالی است مشغول ترک سیگار است. هر وقت او را می‌بینم از ماجراهای ترک سیگار می‌گوید. برآورد خودم این است که حداقل پنجاه بار سیگار را ترک کرده و هم‌چنان «ترک سیگار ادامه خواهد داشت.»

آن‌چه در عرصه روابط بین‌المللی لازم داریم، می‌تواند با جملاتی از این دست گفته شود: «مسیر بهبود روابط به سرعت طی خواهد شد.» «ما برای تقویت و حفظ روابط پایدار میان خود و عربستان مصمم هستیم.» «از سرگیری روابط برای ما مهم و جدی است.» «پیگیر فرایند از سرگیری روابط خواهیم بود.» و ...

این که ماجرای «از سرگیری روابط» ادامه‌دار باشد، واقعاً نگران‌کننده است.

به منزله نابودی...

رئیس‌جمهور در فراز دیگری از سخنان‌شان گفتند: «دشمن صهیونیستی اگر کوچک‌ترین اقدامی علیه ایران انجام دهد، اولین اقدام ما به منزله نابودی آن خواهد بود.»

تعبیر به منزله، نشان می‌دهد که می‌خواهیم دو موضوع را هم‌ارز و هم‌معنا نشان دهیم.

این که از نظر ما رفتار A به منزله رفتار B است اصلاً به این معنا نیست که رویداد A به رویداد B منجر می‌شود.

به این مثال‌ها توجه کنید:

- اگر به گوش من سیلی بزنی، من به گوش تو سیلی خواهم زد.
- اگر به گوش من سیلی بزنی، به منزله این است که به گوش خود سیلی زده‌ای.

جمله دوم را به دوست صمیمی خود می‌گویند. اما جمله اول را به دشمن‌شان می‌گویند.

این که اولین اقدام ما «منجر به نابودی» طرف مقابل می‌شود با این که اقدام‌مان «به منزله نابودی» باشد بسیار متفاوت است. مثال‌های بهتر و شفاف‌تری در ذهن داریم که جای بیان آن‌ها این‌جا نیست.

دشمن هیچ‌وقت نتوانسته حماقت کند

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از سخنان خود خبر دادند که «طی ۴۴ سال گذشته دشمن هیچ گونه حماقتی مرتکب نشد؛ نه به این دلیل که نمی‌خواهد، بلکه قدرت انجام این کار را ندارد.»

این که دشمن هرگز هیچ حماقتی نکرده باشد، تحسین دشمن است. اصلاً رویای مردم هر کشوری این است که سیاست‌گذاران‌شان هیچ حماقتی نکنند و الان باید حسرت بخوریم که دشمن، چنین ویژگی‌ای دارد.

این که دشمن حتی اگر بخواهد حماقت کند باز هم نمی‌تواند، می‌تواند به این معنا باشد که دشمن چنان به شکل نظام‌مند و سیستمی هوشمند است، که حتی اگر بخواهد هم نمی‌تواند احمق باشد.

احتمالاً منظور رئیس‌جمهور دقیقاً برعکس حرفی بوده که زده‌اند. چون بسیار بعید است در رسانه رسمی، دشمن تا این حد تحسین شود.

مشکل این است که ما از ادبیات متعارف سیاسی در حرف زدن‌مان استفاده نمی‌کنیم و به سراغ ادبیات خیابانی می‌رویم. یک نوجوان می‌تواند در وسط یک دعوای خیابانی به دوست یا هم‌کلاسی خود بگوید: «اگر حماقت کنی می‌زنم تو گوشت.» و بعد که طرف مقابل کرنش کرد بگوید: «دیدید! دیدید! دیدی جرئت نکردی حماقت کنی!» اما وقتی بر صندلی‌های حساس می‌نشینیم و همین جمله‌ها در مصاحبه‌هایمان گفته می‌شود، معنایشان

به کلی تغییر می‌کند و گاهی - چنان که این‌جا دیدیم - برعکس می‌شود.

این جمله‌ها می‌توانستند آن مفهوم را شفاف‌تر بیان کنند:

- «دشمن هرگز تهدید نظامی جدی نکرده»
- «حتی اگر دشمن میل به رفتارهای مخرب داشته باشد، قدرت بازدارنده کشور در حدی است که آن‌ها را مهار می‌کند»
- «هیچ کشوری به خود اجازه نمی‌دهند به کشور ما تعدی کند یا حتی به شکل جدی به تعدی فکر کند»
- «دشمن، هزینه اقدام‌های تند و تهاجمی را می‌داند و به همین علت در چهار دهه گذشته دست به چنین اقدام‌هایی نزده است»
- «دشمن با هر نوع ریسک حساب‌نشده، هزینه‌های سنگینی به خود تحمیل خواهد کرد و برآورد چنین چیزی با حداقل عقل تحلیلی هم امکان‌پذیر است.»

ممکن است بگویید آیا واقعاً انتخاب کلمات مهم است؟

به گمان من مهم است. ما به دیسکورس سیاسی در جهان بی‌اعتنا هستیم. صدها سال ادبیات سیاسی و دیپلماتیک در جهان رشد کرده و واژه‌های بسیاری خلق کرده است. وقتی آن‌ها را کنار می‌گذاریم و با ادبیات خیابانی حرف می‌زنیم، خود را از اندیشه بشری محروم کرده‌ایم. حتی جمله‌هایی هم که من نوشتم، خیابانی هستند. چون تعبیرهایی مثل دشمن، برای انتقال پیام مناسب نیستند. اما چون قصدم صرفاً بازنویسی بود، سعی کردم از دریچه رئیس‌جمهور به موضوع نگاه کنم و از زاویه نگاه ایشان بنویسم.

ما چنین رفتاری را در جمله‌های دیگر ایشان و سایر سیاستمداران مان هم می‌بینیم. مثلاً گاهی می‌بینیم مقامات سیاسی ما اصرار دارند از تصویر یک دیپلمات فاصله بگیرند و این واژه را با بار معنایی منفی در جمله‌هایشان به کار می‌برند. در حالی که سیاستمدار اگر دیپلمات نباشد، پس چیست و به چه کاری مشغول است؟ این را هم می‌دانیم که دیپلماسی، بر خلاف قرن‌های قبل، این روزها دیگر معنای فریب‌کاری و دروغ ندارد و به معنای به معنای بیان شفاف خواسته‌ها و مواضع و مذاکره و گفتگو بر سر آن‌ها به کار می‌رود. تعبیرهایی مثل دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی علمی، دیپلماسی آموزشی و ... همگی شاخه‌هایی از دیپلماسی هستند. این که ما این واژه‌ها را به معنای درست‌شان به کار نبریم یا معنای تازه‌ای بارشان کنیم، باعث می‌شود دست‌مان از دستاوردهای دانش و نگرش بشری خالی شود.

فهرست واژه‌هایی که در ادبیات سیاسی ما وارد شده و معنای مشخص ندارند، و نیز واژه‌های جهانی که معنای

آن‌ها در فارسی تغییر کرده، بسیار طولانی است (همان چیزی که باعث می‌شود چپ‌ها به مخالف خودشان که او هم چپ است و همگی هم در ساختاری چپ در هم می‌لولند و ارزش‌های چپ را تبلیغ و تحسین می‌کنند، لیبرال بگویند و بعد از مدتی این‌ها را آن‌قدر تکرار کنند که چپ و راست را گم کرده و در هم گره بخورند).

چنین اتفاقی صرفاً یک بی‌مبالاتی ادبی نیست. بلکه چالشی بزرگ در حوزه اندیشه عملی و سیاسی است و حاصل آن را نه فقط در رسانه‌ها که در بازارهای پولی، مالی، اقتصاد، صنعت و حتی کف خیابان هم می‌بینیم.

چند مطلب پیشنهادی:

- [اگر من بودم](#)
- [درباره اهمیت ارگونومی | چند نکته و یک گزارش](#)
- [چند نکته به بهانه تپسی و آقای مکوندی](#)
- [تعطیلی عید فطر | بررسی هدف از تصویب قانون تعطیلی عید فطر](#)
- [بلوط | خواهر کوکی](#)
- [محمد زهرایی و استانداردهای بالا برای چاپ کتاب](#)

با متمع:

- [کتاب ادیان مرتبط با یوفوها \(اشیاء ناشناس پرنده\)](#)
- [مالی رفتاری در زندگی روزمره | جریمه داده‌ام اما ناراحت نیستم!](#)
- [آیا برندگان جایزه نوبل بعد از دریافت جایزه افت می‌کنند؟](#)
- [روش اصلاح دولت | همه را بیاورید یک پله پایین‌تر!](#)
- [اولین تماس تلفنی تاریخ | قدرت و محدودیت یک ابزار در یک جمله!](#)
- [خواندن اخبار کافی نیست](#)
- [اثر تماشاگر | خلاقیت در طراحی مینیمال جلد کتاب](#)

[۱۵۲+](#)

[فایلهای صوتی مذاکره آموزش زبان انگلیسی آموزش ارتباطات و مذاکره خودشناسی](#)

[آموزش مدیریت کسب و کار \(MBA\) کارآفرینی کسب و کار دیجیتال](#)

ویژگی‌های انسان تحصیل کرده آموزش حرفه‌ای‌گری در محیط کار